

میدون و سوفیا

پوشیده‌ترین حالت سوفیا



یوریا عالمی

● دیروز به بابای سوفیا گفتیم: من و سوفیا نسبت به هم حالت ازدواج داریم. چرا نمی‌گذاری ما با هم بیزیم روی هم و خانواده تشکیل بدیم؟ بابای سوفیا زیرلبی گفت «هوووووم... ادامه تحصیل؟» بعد از من پرسید: ای میدون دوم! تو خودت اجازه می‌دهی سوفیا ادامه تحصیل بدهد یا نه؟

گفتم: بله. صددرصد. من دوست دارم سوفیا خودش تصمیم بگیرد که می‌خواهد چه‌کار کند. تحصیلات عالیه هم حق هر زنی است.

بابای سوفیا، شبیه پهلوان قرن حاضر؛ خرس پاندا، یکپو پیرد بالا و با پاشنه پا آمد وسط فرق کله من و گفت: خاک‌توسرت. تو می‌دانی مجلس امار ملت را گرفته و نتیجه تحقیقاتش را منتشر کرده و گفته: «هرچی زنان باسوادتر می‌شوند بدپوشش‌تر می‌شوند». بعد تو می‌خواهی زنت باسواد باشد؟ خاک‌توسرت دوباره.

گفتم: من این موضوع را نمی‌دانستم. از امروز سوفیا حق ندارد دنبال تحصیلات عالیه برود. به مردم هم توصیه می‌کنم اگر باسواد بدپوشش خواهد شد اگر اجازه ندهیم دختران به کلاس اول دبستان بروند از همان اول جلوی این فاجعه را گرفته‌ایم و آنها را پوشیده‌ترین حالت خود خواهند ماند، چراکه سواد پیاد نخواهند گرفت. شاعر هم گفته خشت اول چون نهد بابای بچه، کج و او را به مدرسه بفرستد، تا ثریا می‌رود دیوار کج و او بند پوشش را آب خواهد داد.

بابای سوفیا گفت: آقرین بر تو ای مرد دانا. گفتم: راستی شما می‌دانید در همین گزارش مجلس آمده: «زن‌ها هرچه سنشان بیشتر می‌شود، پوشش‌شان سفت‌تر می‌شود؟» بابای سوفیا گفت: خب که چی؟

گفتم: از این گزاره هم نتیجه می‌گیریم بهترین سن ازدواج ۹۰ سال است که کار از کار گذشته و دیگر کاری نمی‌شود کرد. به همین دلیل من امروز سوفیا را نامزد می‌کنم و می‌روم ۱۷ سال دیگر می‌آیم باهاش عروسی می‌کنم که در پوشیدگی کامل به‌سر برود.

بابای سوفیا یکپو پرید و سه‌تا ماچ آبدارم کرد و گفت: ای میدون دوم! تو مردترین مرد جهانی... تو یک ایرانی اصلی... تو یک غیور نام‌آوری... تو تنها فقط معنای ناموس را می‌فهمی و بس... تو تنها کسی هستی که به زن چون شکلات کاکائویی در زوروق نگاه می‌کنی و معتقدی مگس نباید روی شکلات بنشیند... آقرین‌ها بر توو... تو دانایی...ای غیرت و مردانگی‌ات الگوی جوانان ما...

پرنده آبی

● یکی از خبرهایی که در شبکه‌های اجتماعی با اعتراض روبه‌رو شده است، این است که «شرایط انتقال دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور به دانشگاه‌های علوم پزشکی داخل کشور اعلام شد». طبق این خبر آمده است، هر دانشجویی که بتواند حد نصاب معدل در مقاطع مختلف تحصیلی، شامل معدل کتبی دیپلم حداقل ۱۶ و معدل پیش‌دانشگاهی حداقل ۱۷ را کسب کند، حداقل ۳۶ واحد را با معدل ۱۵ تا قبل از تیر امسال گذرانده باشد و بتواند از دانشگاه‌های داخل کشور پذیرش کسب کند، می‌تواند با پرداخت معدل ریالی شهریه‌ای که در دانشگاه‌های خارج از کشور پرداخت کرده‌اند، روی صندلی دانشگاه‌های ایران بنشیند. از نظر افراد مختلف، این خبر نیز مانند سهمیه فرزندان استادان، ظلم و تبعیض مضاعف است. فردی که به کشورهای دیگر برای تحصیل سفر کرده، حتماً یا توان مالی بالایی داشته یا توان علمی بالایی. اگر توان علمی داشته و اکنون به دلیل مشکلات دلار و بیورو امکان ادامه تحصیل را ندارد، چگونه می‌تواند همین شرایط را در ایران پشت سر بگذارد. چرا شهریه‌ای معدل با خارج باید بپردازد و از آن گذشته حتما مدرکی را که از دانشگاه‌های ایران دریافت می‌کند، آن‌چنان او را خرسند نخواهد کرد. اگر هم فرد توان علمی ندارد، چرا فقط باید به دلیل داشتن پول و ثروت بیشتر به دانشگاه‌هایی راه یابد که در کنکور و با گذر از رقابت تنگاتنگ می‌توان به آن راه یافت؟ این روزها بحث حضور افراد سهمیه‌ای در رشته‌های پزشکی باعث نگرانی بسیاری شده است.

پیشنهاد

● نشست دوم «دادبودید» که به تحلیل‌ای از زندگی سیاسی عباس امیرانتظام می‌پردازد، دوشنبه ۸ مردادساعت ۱۸ در باشگاه اندیشه خیابان انقلاب، وصال، کوچه ناییی برگزار می‌شود. در این نشست محمد توسلی، عبدالمجید معادی‌خواه و عباس سلیمی‌نمین حضور خواهند داشت.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۷ ۱۶ ذی‌القعدة ۱۴۳۹ ۳۰ جولای ۲۰۱۸ سال پانزدهم شماره ۳۲۰۷ ۱۶ صفحه اذان ظهرتهران ۱۳:۱۱ اذان مغرب ۲۰:۳۰ اذان صبح فردا ۴:۴۴ طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنفر۱۰



هانی انصاری

در حاشیه توییت احمدی‌نژاد به بهانه تولد «هوگو چاوز»



پرنده آبی

از دلار ۱۱ هزار تومانی می‌ترسیم؟

قیمت دلار در بازار آزاد به بالای ۱۰ هزار تومان رسید
دلار تلفنی ۱۰ هزار و ۳۰۰ تومان
دلار شد ۱۱ هزار۱۲۰۰ تومان
قرار است تا ۱۴۰۰ بشود ۲۵ هزارتومان، خیلی خوش‌بینی قرار است تا عید بشود ۲۵ هزار تومان، ما ونزوئلا شده‌ایم. نه هنوز نشده‌ایم، می‌شویم، هنوز تورممان چهاررقمی نشده، فقط دورقمی شده است.
روزنامه‌ها پیش‌بینی کردند که تورم می‌شود ۲۵ درصد. راستش را که نمی‌نویسند حتما می‌رسد به ۵۰ درصد یا بیشتر.
یارانه شد چهارتا تک‌دلار.

شعار «به عقب برنمی‌گردیم» فقط شامل نرخ دلار می‌شده؟ این تنها بخشی از گفت‌وگوهایی است که در گوشه‌وکار مطرح می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی کاربران قیمت دلار و سکه را که از ۱۱ هزارتومان و چهار میلیون فراتر رفته لحظه‌به‌لحظه گزارش می‌کنند و عده‌ای نیز به آنان اعتراض می‌کنند. برخی نیز از همان ابتدای روز سؤالات خود را مطرح کردند و انتظار هم‌اندیشی داشتند؛ تحلیل‌هایی نیز در ۲۸۰ کلمه برای این اتفاق انجام شد: «پول آزاد در بازار بدون مالیات.

سپرده‌هایی که کف نرخ ذهنی‌شون ۲۰ درصد بود از بانک خارج شدند. همیشه یک مقدار زیادی (در حد ۲۵k ت) پول داغ حرفه‌ای هم کف بازار هست که تقاضا رو تحریک می‌کنه» یا «توضیح ساده: حجم نقدینگی افزایش پیدا کرد و به‌خاطر حوادث دی و ترس از بازگشت تحریم بهترین سرمایه‌گذاری ارز و طلا شد/ بازارها با مدیریت دولت

پنیک شدند؛ یعنی الان به جایی رسیدیم که کسی براش قیمت مهم نیست، هر قیمتی بگویند حاضرند برای کالای باارزش با ب‌ادوام بدهند، در بازاری که فروشنده‌ها می‌ترسند بفروشند و تقاضا صدهابرابر عرضه است دیگه قیمت معنی نداره! مهم‌ترین دلیل آشفتنگی بازار، سرگردانی نقدینگی هزارو ۶۰۰ میلیاردتومانی است؛ باور کنید ترامپ و تحریم، بهانه است. متأسفانه یاران روحانی به تبعات این عدد توجه نکردند. یاد حرف مسعود نبلی در سال ۹۵ افتادم که می‌گفت: «رابطه نقدینگی و تورم در دولت روحانی قطع شده است».

پنیک شدن بیشتر. رشد توم‌های غیرواقعی، دل‌بستن‌های کاذب به سراب‌هایی که در آنه هیچ نیست»

به یکی از مهم‌ترین نکته‌ها هم پدram سلطانی، نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، اشاره کرد: «تاریخ معاصر ایران بر است از جای خالی #نخبگان در بزنگاه‌ها و برهه‌های سرنوشت‌ساز، به‌جز انگشت‌شماری، همه در بحران‌ها یا سکوت پیشه کرده‌اند یا گفتمان پیچیده علمی اختیار کرده‌اند. امروز جامعه و حاکمیت نیاز به صراحت و جسارت آنان دارد. نخبگان عافیت‌طلبی را کنار بگذارند».

حدود دوسال از گذشت کارگردان بزگمان، «عباس کیارستمی» می‌گذرد. همه ما سرصودهای فراوانی را که در زمان مرگ او و حتی قبل از آن در مورد احتمال قصور پزشکی به راه افتاد به خاطر می‌آوریم؛ هيجان هنرمندان، اصحاب رسانه و مردم عادی را که از فقدان بخشی از فرهنگشان اندوهگین و از احتمال مراقبت ناگافی از او به خشم آمده بودند.

در طول دوسال گذشته بی‌تردید تعداد قابل‌توجهی از بیماران مورد قصور پزشکی کوچک و بزرگ قرار گرفتند. نهن‌تها این، بلکه بیماران بسیاری به درمان‌هایی نیاز پیدا کردند که امکانش نبود. بسیاری از مردم از بیماری‌هایی رنج برندند و حتی مردند که تشخیص داده نشد. چه بسیار درمان‌ها که طبقات بالاتر اجتماعی به آن دسترسی یافتند، اما طبقات پایین نه. در طول سال گذشته بیماران فراوانی با امکانات محدود بیمارستان‌های آموزشی و دولتی در راهروهای تنگ و اتاق‌های تنگ و تاریک آن با دشواری فراوان مورد معاینه و مداوا قرار گرفتند. امکانات و اطلاعات در مورد بسیاری از بیماری‌های اورژانس، نظیر سکنه مغزی حاد همچنان در حد بسیار پایینی قرار داشت. مراکز مناسبی برای نگهداری از بیماران مزمن و ناتوان با مراکز نگهداری و توانبخشی به میزان کافی تهیه نشد و بی‌شمار



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

حداود دوسال از گذشت کارگردان بزگمان، «عباس کیارستمی» می‌گذرد. همه ما سرصودهای فراوانی را که در زمان مرگ او و حتی قبل از آن در مورد احتمال قصور پزشکی به خاطر می‌آوریم؛ هيجان هنرمندان، اصحاب رسانه و مردم عادی را که از فقدان بخشی از فرهنگشان اندوهگین و از احتمال مراقبت ناگافی از او به خشم آمده بودند.

در طول دوسال گذشته بی‌تردید تعداد قابل‌توجهی از بیماران مورد قصور پزشکی کوچک و بزرگ قرار گرفتند. نهن‌تها این، بلکه بیماران بسیاری به درمان‌هایی نیاز پیدا کردند که امکانش نبود. بسیاری از مردم از بیماری‌هایی رنج برندند و حتی مردند که تشخیص داده نشد. چه بسیار درمان‌ها که طبقات بالاتر اجتماعی به آن دسترسی یافتند، اما طبقات پایین نه. در طول سال گذشته بیماران فراوانی با امکانات محدود بیمارستان‌های آموزشی و دولتی در راهروهای تنگ و اتاق‌های تنگ و تاریک آن با دشواری فراوان مورد معاینه و مداوا قرار گرفتند. امکانات و اطلاعات در مورد بسیاری از بیماری‌های اورژانس، نظیر سکنه مغزی حاد همچنان در حد بسیار پایینی قرار داشت. مراکز مناسبی برای نگهداری از بیماران مزمن و ناتوان با مراکز نگهداری و توانبخشی به میزان کافی تهیه نشد و بی‌شمار

دور دنیا

مدرن‌نیشی موساد در جنایت

روزنامه بریتانیایی دیلی میل روز شنبه با انتشار گزارش مفصلی با عنوان «موساد پیش‌از آدم‌کشی در دهه گذشته بوده‌است»، به جنایت‌های سازمان جاسوسی اسرائیل در طول تاریخ و روش‌های آن پرداخته است.

گزارش این روزنامه که به مناسبت انتشار کتابی با عنوان «اول از همه برخیز و بکش: تاریخ مخفی آدم‌کشی‌های اسرائیل» نوشته رانن برگمن منتشر شده، نمونه‌هایی از جنایات این سازمان جاسوسی را برشمرده و نوشته است: «اسرائیل، جایی که در خون‌ریزی متولد شد، پیش‌از آدم‌کشی است و مأموران مخفی موساد از جنگ جهانی دوم به این‌سو بیش از مأموران هر دولت دیگری آدم کشته‌اند». در این گزارش به بیش از ۸۰۰ عملیات جنایتکارانه سازمان موساد در ۱۰۰ سال گذشته اشاره شده است که البته تعداد دقیق کشته‌شدگان مشخص نیست، ولی احتمالاً بالغ بر هزاران نفر می‌شود.

به نوشته دیلی‌میل، موساد برای جنایت حتی از فیلم‌ها الهام گرفته و از جمله عملیاتی برگمن منتشر شده، نمونه‌هایی از جنایات این سازمان جاسوسی را برشمرده و نوشته است: «اسرائیل، جایی که در خون‌ریزی متولد شد، پیش‌از آدم‌کشی است و مأموران مخفی موساد از جنگ جهانی دوم به این‌سو بیش از مأموران هر دولت دیگری آدم کشته‌اند». در این گزارش به بیش از ۸۰۰ عملیات جنایتکارانه سازمان موساد در ۱۰۰ سال گذشته اشاره شده است که البته تعداد دقیق کشته‌شدگان مشخص نیست، ولی احتمالاً بالغ بر هزاران نفر می‌شود.

به نوشته دیلی‌میل، موساد برای جنایت حتی از فیلم‌ها الهام گرفته و از جمله عملیاتی برگمن منتشر شده، نمونه‌هایی از جنایات این سازمان جاسوسی را برشمرده و نوشته است: «اسرائیل، جایی که در خون‌ریزی متولد شد، پیش‌از آدم‌کشی است و مأموران مخفی موساد از جنگ جهانی دوم به این‌سو بیش از مأموران هر دولت دیگری آدم کشته‌اند». در این گزارش به بیش از ۸۰۰ عملیات جنایتکارانه سازمان موساد در ۱۰۰ سال گذشته اشاره شده است که البته تعداد دقیق کشته‌شدگان مشخص نیست، ولی احتمالاً بالغ بر هزاران نفر می‌شود.

به نوشته دیلی‌میل، موساد برای جنایت حتی از فیلم‌ها الهام گرفته و از جمله عملیاتی برگمن منتشر شده، نمونه‌هایی از جنایات این سازمان جاسوسی را برشمرده و نوشته است: «اسرائیل، جایی که در خون‌ریزی متولد شد، پیش‌از آدم‌کشی است و مأموران مخفی موساد از جنگ جهانی دوم به این‌سو بیش از مأموران هر دولت دیگری آدم کشته‌اند». در این گزارش به بیش از ۸۰۰ عملیات جنایتکارانه سازمان موساد در ۱۰۰ سال گذشته اشاره شده است که البته تعداد دقیق کشته‌شدگان مشخص نیست، ولی احتمالاً بالغ بر هزاران نفر می‌شود.

به نوشته دیلی‌میل، موساد برای جنایت حتی از فیلم‌ها الهام گرفته و از جمله عملیاتی برگمن منتشر شده، نمونه‌هایی از جنایات این سازمان جاسوسی را برشمرده و نوشته است: «اسرائیل، جایی که در خون‌ریزی متولد شد، پیش‌از آدم‌کشی است و مأموران مخفی موساد از جنگ جهانی دوم به این‌سو بیش از مأموران هر دولت دیگری آدم کشته‌اند». در این گزارش به بیش از ۸۰۰ عملیات جنایتکارانه سازمان موساد در ۱۰۰ سال گذشته اشاره شده است که البته تعداد دقیق کشته‌شدگان مشخص نیست، ولی احتمالاً بالغ بر هزاران نفر می‌شود.

آکادمی

روز «بیمار»

کردند؟ خبر دارند که در استان سیستان‌وبلوچستان کمتر از انگشتان دست سکنه قلبی حاد درمان شده است؟ در جست‌وجوی کدام‌یک از کمپین‌های انجمن‌های علمی فی‌المثل در مبارزه با مصرف قلبیان و دخانیات در اماکن درسته برآمدند و آن را تقویت کردند؟ آیا بنیادهای بیماری‌های مختلف را به انحای مختلف یاری رساندند؟ آیا بنیاد عباس کیارستمی برای حمایت از بیماران دستگاه گوارش برای تحقیق در مورد معضلات سلامت کشور... به‌راه افتاد؟ برای حمایت از قربانیان قصور پزشکی چطور؟ آیا این روال معمول در جوامع مدرن نیست؟ آیا درخواست برای گسترش مراکز دولتی نگهداری بیماران و سالمندان را شنیدند؟

من اطمینان دارم آخرین غم‌انگیز کیارستمی که به بهایی گراف مشکلات سلامت را در پیش چشم‌ها گستراند، پایان نخواهد یافت. هنرمندان و فرهیختگان ما دارای این توان و علاقه‌مندی هستند که حساسیت خود به مشکلات سلامت را با اشکالی مدرن و از نظرگاهی اجتماعی و نه انفرادی تداوم بخشند و در حیطه‌هایی حتی فراتر از موارد برشمرده بالا به نمایش بگذارند. بد نیست هرسال، سالروز مرگ او را روز حساب چنین فعالیت‌هایی؛ مثلاً «روز بیمار» بنامیم و از خود بیرسیم؛ در سال گذشته در جهت کمپین‌های یادشده تا حد چه فعال بودیم؟ من خود هر سال چنین جوامع‌کرد. برای چنین فعالیت‌هایی هیچ‌گاه دیر نیست. پزشکان و انجمن‌های پزشکی آماده‌اند نواحی درد و نقاط ضعفی را که هنرمندان می‌توانند بیشترین تأثیر را داشته به ایشان نشان دهند.

یادداشت

جنبش مدگرایی جوانان را جدی بگیرد

قبل نوتشم آسیب‌دیده است. رنگ‌ها برای ما به صدا درمی‌آید. در افکار خود خانه‌تکانی کنید، جوانان با پوشش خود فریاد می‌زنند، آتشی در نیستان و چندین مقاله دیگر*. جوانان با پوشش و آرایش و پیرایش و لباس و پوشاک و رقصیدن و آوازخواندن، دست به دست هم داده‌اند و در کوچه و خیابان و درون مترو، به زبان بی‌زبانی فریاد می‌زنند «این وقتی است که همه‌چیز باید از نو در بوته آزمایش قرار گیرد. هیچ اندیشه، هیچ عملی و هیچ رسمی حرمش واجب نیست، اینک می‌توان از آن تخطی کرد؛ دیگر هیچ رسمی حرمش واجب نیست»، اما تنگ‌چشمان هنوز هم نظر به میوه می‌کنند و در احوال خویش می‌نگرند و در آثار صنع حیرانند. (سعدی) نسل جوان با کارهای نمادینی که می‌کند روزبه‌روز بیشتر و نمایان‌تر می‌شود، درواقع یک جنبش فرهنگی و یک پیاد فرهنگی را آغاز کرده‌اند که بنیان فرهنگ سنتی را به‌خطر انداخته است و خطری است جدی که باید برخلاف گذشتگان و دولت‌ها در تاریخ ایران که این «پادفرهنگ»‌ها را ندیدند بینند و بیندیشند و از لاک محافظه‌کاری بیرون بیایند و با جوانان در آشتی و صلح درآیند و سیرها ببینازند.

کارهای نمادین جوانان نشانه یک پادفرهنگ و ضدفرهنگ است که بدون‌شک به پیدایش فرهنگ جدید منجر خواهد شد و کاری از دست کسی، به‌خصوص سیاست‌مداران و دولتمردان برنی‌آید. این پادفرهنگ را نه سالمندان و نه سیاست‌مداران مجلسی و غیرمجلسی و حقوقی و قضانی و دولتی و غیردولتی نمی‌سازند و قادر به ساختن آن به‌هیچ‌وجه نیستند، بلکه این جوانان هستند که این پاره‌فرهنگ را می‌سازند. نسل جوان، به‌ویژه دختران در حال زایش یک فرهنگ تازه و پادفرهنگ هستند، کرچه به نظر کونه‌نظران کارهایی که از طلین جوانان می‌کنند مهم نیست، اساسی نیست، اما برعکس این کارهایی که به‌ظاهر کم‌اهمیت است بسیار بزرگ و اساسی است و به دگرگونی اجتماعی خواهد انجامید. نسل جوان نشان می‌دهد که نمی‌خواهد پیوندی با فرهنگ گذشته داشته باشد و طرخی‌ها درآنداخته است، اینکه مدافش را عمل می‌کند، روسری‌اش را عقب می‌کشد، ادای حجاب را

درمی‌آورد و لاکچری و میخ‌کوبی می‌کند، روابط دختر و پسر و «همیاش‌های سیاه» از حد گذشته و تجدیدگرایی دختران افزایش یافته وتنوع‌طلبی در بین دختران و زنان و جوانان افزایش یافته، اینها همه پادفرهنگ و زایش فرهنگ جدید را طبع می‌کند، اینها همه نوعی‌ای فرهنگ‌کی تازه در جامعه است. اکنون دختران و بانوان حق خود را از فرهنگ سنتی که بیش از هزار سال است به‌وسیله مردان بر اساس فرهنگ سنتی و کاریزما‌تیک بر آنها روا داشته‌اند می‌خواهند و طلب می‌کنند. می‌گویند ما حق داریم از حق و حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار باشیم. این پادفرهنگ است که در زرفای جامعه در حال شکل‌گیری و زایش فرهنگی جدید است. تنبیه و... کارساز نیست. این یک پادفرهنگ و رایش فرهنگی در مقابل فرهنگ موجود در جامعه است ازاین‌رو توانی که در درون فرهنگ جامعه افتاده اساسی‌تر از آن است که بخواهیم با برخورد آنها را برطرف کنیم، بلکه بهتر است راه دیگری در پیش بگیریم و از طریق خانواده و آموزش‌وپرورش عام (رسمی و غیررسمی) به‌دنبال چاره باشیم. انشاءالله!

۱-روزنامه جوان ۸۱/۹/۲۴، حیات نو ۸/۸/۰۸، جامعه ۸۲/۲/۱۵ و ۸۰/۶/۱۲



دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

ضدفرهنگ (Counterculture) خرده‌فرهنگی است که ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی آن اساساً با فرهنگ حاکم در تضاد است. چنین گروهی آگاهانه، برخی از مهم‌ترین هنجارهای جامعه بزرگ‌تر را رد و به این امر مباحثات می‌کند. با این تعریف، آیا مدگرایی یک پادفرهنگ است و آیا ما در ایران با یک مسئله فرهنگی جدید روبه‌رو هستیم؟ آیا ما در بدن جامعه با یک جنبش فرهنگی روبه‌رو هستیم که فرهنگ گذشته و سنتی را مورد پرسش جدی قرار داده؟ در مقابل بزرگ‌تراها لباس‌ها و شلوار پاره‌پوره، عقب‌کشیدن روسری و برسرچوب‌کردن آن، خالکوبی و موی هدهدی، لاکچری و میخ‌کوبی گوش، رقص تاکگو و والس و چاچا و در جلوی جمع در مترو، رفتارهای عجیب و غریب، خالکوبی بر تن و دست و گردن و کنفا‌ها و بی‌گزیند، دماغ کوچک‌کردن، در مقابل بزرگ‌تراها ایستادن و بی‌احترامی نسبت به فشارهای اجتماعی که بر آنان روا می‌دارند، تجردگرایی و روابط آزاد، قلبیان و سیگارکشیدن دختران و پسران جوان دبیرستانی و... همه نوعی دهن‌کجی به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی نیست؟ دهن‌کجی‌ای که جلوی آن را نمی‌توان گرفت؟ آنچه در این جامعه رخ می‌دهد را باید یک زایش و یک فرهنگ جدید و یک پادفرهنگ دانست؟ آنچه می‌بینیم آن است که جوانان با سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه درگیر شده‌اند و پیوستن آنها به یکدیگر، پاره‌فرهنگ جدید را تقویت می‌کند که برای سنت‌گرایان بسیار خطرساز است و تفاوت نسلی را شدت می‌بخشد.

البته این پادفرهنگ از گذشته‌های دور چنان که در آثار بزرگان و نویسندگان و شعرا ملاحظه می‌شود، همواره وجود داشته و اعلام خطر کرده‌اند، اما گوش شنوایی وجود نداشته. چنان‌که اکنون وجود ندارد و گفته و نوشته‌اند که جوانان می‌خواهند «فلک را سقف بشکند» و طرخی نو درآندازند.

اکنون نیز به نظر می‌رسد با توسعه فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی و ماهواره‌های گوناگون که از درودیوار وارد شده و دیگر چهاردیواری اختیاری نیست و دیوارها را فروبرخته و تمام فضای خانوادگی، آموزشی، پرورشی و اجتماعی را فراگرفته، ما با یک جنبش پادفرهنگی قوی روبه‌رو هستیم و نوجوانان و جوانان با مدرگرایی‌های متنوع و گوناگون پشت‌پا به ارزش‌ها و هنجارهای گذشته زده و دیگر نمی‌خواهند به قول سعدی «بر سر میراث گذشته بنشینند و سنگ سراج‌ه دل را به الماس آب دیده بشویند»؛ جوانان سیاست‌زده و چپ و راست و شمالی و جنوبی و شرقی و غربی و به حزب و دسته‌ای وابسته نیستند، بلکه می‌خواهند آزاد باشند، آزاد بیندیشند و انتخاب کنند و پوسته تخم‌مرغ سنت‌ها را بشکنند و علیه سنت‌خوانان با اعمال و رفتار و آرایش و پیرایش خود برخاسته‌اند و با اعمال و رفتار و مدرگرایی افراطی کاملاً خلاف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هستند و به همه آنها دهن‌کجی می‌کنند این یک «پادفرهنگ» است که فرهنگ جامعه را از درون از هم می‌پاشد. جامعه ما با یک زایش فرهنگی جدید روبه‌رو است و دیگر نخواهد توانست با نصیحت و بند و اندرز و بکیرویند و با سیاست‌بازی یا مربیان پرورشی و... درست کند و «خانه از پای‌بست همان‌طور که در حدود ۲۰ سال